

بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی: تبیین مفاهیم و عرصه‌ها

یوسف فتوحی^۱

چکیده

در دهه‌های اخیر، تأثیر اسلام ناب بر تحولات اجتماعی و سیاسی، خصوصاً بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران، در مجامع علمی مورد توجه قرار گرفته است. از میان احکام اسلامی، حج و مناسک آن، به عنوان یک عنصر بین‌المللی اسلامی، جایگاه ویژه‌ای در خلق تحولات اجتماعی ایفا می‌کند. مقاله پیش رو ابعاد معرفتی و کارکردی حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی را با مراجعه به برخی از آیات حج و پیام‌های امام خمینی علیه السلام به حج و منابع مربوط به انقلاب اسلامی، به روش توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای، بررسی کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از مبانی و کارکردهای حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی مشترک است و احیای حج ابراهیمی، بدبینی‌ها و سوء تفاهمات میان ملت ایران و جهان اسلام را رفع می‌کند و انقلاب اسلامی، نمونه‌ای عملی برای برون‌رفت از وضعیت موجود کشورهای اسلامی و الهام‌بخش خیزش‌های اسلامی و معنویت‌گراست.

۱. استادیار دانشگاه زنجان.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، حج ابراهیمی، انقلاب اسلامی، مبانی معرفتی، خدامحوری، مردم‌محوری و قیام.

مقدمه

حج ابراهیمی و مناسک آن، نمایش‌دهنده نوعی فلسفه اجتماعی و انقلاب اسلامی، رویکرد سومی برای اداره جوامع بشری در مقابل دو رویکرد کاپیتالیسم و کمونیسم و رویکردی برای دعوت ملل اسلامی به بازتعریف مجدد، عظمت و تمدن اسلامی و مبارزه با طاغوت است. انقلاب اسلامی، باعث تجدید حیات اجتماعات مذهبی از جمله حج است. حج، محلی برای احیای تفکر دینی و درون‌سازی و مقدمه‌ای برای ایجاد تحولات سیاسی و اجتماعی است.

بسیاری از مبانی و محتوای معرفتی حج و انقلاب مشترک است. وجه مشترک اساسی حج و انقلاب در «ابراهیمی» و «اسلامی» بودن آنهاست. برداشت خاصی از حج، به عنوان حج ابراهیمی و قرائت خاصی از اسلام، به عنوان اسلام ناب محمدی ﷺ سرمایه و پشتوانه حرکت‌های اجتماعی و سیاسی است. حج غیرابراهیمی، منبعث از اسلام آمریکایی، جز تکرار بی‌معنای سنت‌های قدیمی و بعضاً شرک‌آلود نیست. از این رو با دو نوع حج و دو نوع انقلاب به‌ظاهر مشابه، ولی در واقع متمایز مواجه خواهیم شد: «حج ابراهیمی و حج غیرابراهیمی، انقلاب اسلامی و انقلاب غیراسلامی».

حج ابراهیمی، عبادت خدا در اجتماع است و هویت عبادی آن، با هویت سیاسی و اجتماعی آن پیوند خورده است. حج ابراهیمی، عرصه طرح مسائل مسلمانان است. حج ابراهیمی، سکوت دولت‌های اسلامی را می‌شکند و علیه ستم، بسیج اجتماعی می‌کند. حج، عرصه ظهور اخوت اسلامی و اعتصام به حبل‌الله در مقابل تفرقه، هشدار به مسلمانان درباره نقشه‌های ایجاد تفرقه بین اهل سنت و تشیع و تضعیف قدرت اجتماعی و بین‌المللی اسلام

است. رمی جمرات سه‌گانه، نماد مبارزه با شیطان بزرگ، میانه و کوچک است.^۱ حج ابراهیمی محمدی، حج سیاسی، جهادی و انقلابی است. رمی جمرات، نمادی از رمی سه طاغوت «نفس یا فرد طاغوتی و مستبد»، «نظام استبدادی داخلی و غیرمردمی» و «استعمارگران و سلطه‌گران خارجی» است که هر سه، سد راه خدا و توحیدند. حج از این دیدگاه، یک میتینگ سیاسی و عبادی و یک تظاهرات بین‌المللی و انقلاب علیه سه طاغوت است.

حج، یک مجمع عمومی از همه طوایف «ناس»، نه فقط مسلمین، برای حل مسائل اخلاقی، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی جوامع انسانی است. امام در پیام قبل از انقلاب خود به حجاج تأکید می‌کند، اگر مسلمانان فهمیدند «دولت ایران با مردم چه می‌کند»^۲، باید به مردم رنج‌دیده ایران، به هر نحو ممکن کمک کنند. فلسفه انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی که از اسلام ناب سرچشمه می‌گیرند، همین مبارزه و همکاری است. حج ابراهیمی، یک فلسفه اجتماعی، سیاسی و چگونه زیستن در برابر فلسفه‌های اجتماعی ماتریالیستی و چگونه زیستن‌های دیگر است.

کعبه، تعبیر و نمایش بسیاری از آیات قرآن مانند «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۳ است و می‌تواند در جهت تحکیم پیوند قلبی و اجتماعی و بالابردن قدرت اجتماعی مسلمانان، کاربرد داشته باشد.^۴

حج غیرابراهیمی، یک سفر دسته‌جمعی، سیاحتی، زیارتی و تجارتي و جاه‌طلبانه،

۱. صحیفه امام، امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۱۶، صص ۵۱۶ و ۵۱۱؛ ج ۱۸، ص ۸۶.

۲. همان، ج ۴، ص ۴۵۲.

۳. حجرات: ۱۰.

۴. مناسک حج در نگارگری اسلامی و نقش آن در همبستگی ملی و وحدت اسلامی، مهنار شایسته‌فر، نامه پژوهش فرهنگی،

شماره ۱۲، ۱۳۸۹، صص ۶۷ و ۶۸.

انزوآگریانه و تحریف‌شده، بدون برائت از شیاطین سه‌گانه، مهجور و تهی از جنبه‌های معنوی، عرفانی، سیاسی و اجتماعی است^۱ و نهایت تأثیر آن در فرد است؛ اگر باشد. این حج را می‌توان حج آمریکایی نامید که اثری از چگونگی زیستن، مبارزه و قیام‌کردن علیه خودگروها، موانع آزادی و استکبار درون و بیرون نیست.^۲

انقلاب اسلامی، مبارزه و جهاد علیه ظلم، فساد، تبعیض، طاغوت، استبداد و وابستگی و احیاگر هویت اسلامی (توحید، عدالت، آزادی و استقلال) و یک حادثه از پایین به بالا، و مردمی است و در مقابل آن، دو انقلاب سیاه‌کمونستی و سفید شاه قرار دارند که در یک کشور اسلامی، هر دو آمریکایی هستند. منظور از عبارت «آمریکایی» تفکر است نه جغرافیا؛ از این رو اساس اسلام بر جنگ عقاید و پیروزی ایدئولوژی‌هاست.^۳ حج، عرصه تقابل ایدئولوژی‌ها و انقلاب اسلامی، مصداقی برای پیروزی اسلام ناب است. تبیین حدود مرز این مفاهیم می‌تواند موضوع مقاله را روشن سازد. بنابراین سؤالات اساسی تحقیق عبارت‌اند از:

- مبانی و فلسفه انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی چیست؟
- چه مکانیسم‌هایی آثار و غایات حج و انقلاب اسلامی را قابل دستیابی می‌کنند؟
- هریک از انقلاب اسلامی و حج، چه نقشی در تبیین جایگاه دیگری می‌تواند داشته باشد و چه موانعی دارند؟

روش تحقیق مقاله، توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای است، و میدان مطالعه تحقیق، قرآن، آثار امام خمینی علیه السلام، مقام معظم رهبری و بعضی از منابعی هستند که در زمینه انقلاب و حج خلق شده‌اند.

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۸۹.

۲. سخن‌نامه حج، محمد محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۳.

۳. پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، بی‌تا، ص ۷۶.

۱. مفهوم انقلاب و حج

حج، در لغت به دو معنا به کار می‌رود: «آهنگ و قصد کسی یا چیزی کردن و با دلیل بر کسی چیره‌شدن».^۱ در اصطلاح شرع، سفری به مکان مقدس و بلدی حرام به نام مکه در ماه حرام، به منظور زیارت خانه خدا و انجام برنامه‌های عبادی به نام مناسک و اعمال حج، در چندین موقف و میعادگاه است.^۲ حج، حرکت و آهنگ مقصدی کردن و نشانه رجعت انسان به سوی خداست. این آهنگ با کندن از خود، از زندگی مادی و همه علقه‌هاست.^۳ حج حقیقی، که امام از آن به حج ابراهیمی - محمدی تعبیر می‌کند، سه شاخصه مهم دارد: شاخصه اول، سازندگی؛ شاخصه دوم، ایجاد وحدت میان امت اسلامی و شاخصه سوم، تحول‌آفرینی در جهان اسلام در راستای منافع مادی و معنوی جوامع اسلامی است.^۴ ساخته‌شدن انسان در حج بر اثر تعبد و بندگی خداوند از یک سو و انطباق، سازمان‌یافتگی و انسجام از سوی دیگر، از نتایج آن هستند. سازمان‌یافتگی و انسجام در شکل‌گیری حرکت‌های اجتماعی یک ضرورت است^۵ که این ضرورت در حج ابراهیمی تحقق می‌یابد. حج، انقلاب علیه سه پایگاه زور، تزویر و ثروت است. نماد آنها در تاریخ فرعون، بلعم باعورا و قارون است. رمی جمرات سه گانه، نماد رمی تزویر، قدرت و ثروت است.^۶ حج، انقلابی علیه ماتریالیسم، شرک و توحید مسخ‌شده است. انقلاب، دگرگونی در حوزه فرهنگی - ذهنی، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی و مادی جامعه است. انقلاب

۱. فرهنگ عربی - فارسی دانشیار، رضا مهیار، ۱۳۸۰، ص ۲۰.

۲. فرهنگنامه حج و عمره و اماکن مربوط، صدر طباطبایی، ۱۳۶۷، ص ۱۳.

۳. حج، علی شریعتی، ۱۳۶۰، صص ۲۹ و ۴۱.

۴. سخن‌نامه حج، ج ۴، ص ۱۶۵.

۵. درآمدی بر انسان‌شناسی، کلود ریویر، مترجم ناصر فکوهی، ۱۳۷۹، ص ۷۷.

۶. همان، صص ۱۹۱ و ۲۰۷.

اسلامی، جنبشی علیه ذهنیت مسخ‌شده یا تزویر، سیاست مسخ‌شده یا استبداد و سلطه و اقتصاد مسخ‌شده یا نظام تبعیض، بی‌عدالتی و ظلم است.

موضوع اصلی انقلاب اسلامی، همین سه تاست. انقلاب اسلامی، تظاهر به اسلام^۱ و سد بزرگ مخالفت با ظلم و استبداد است.^۲ انقلاب سه عنصر اساسی دارد^۳: «عنصر عمل ارادی و اختیاری، عنصر تقدس و تعالی، عنصر نفی و انکار». این سه عنصر در سه اصل انقلابی امام خمینی خود را نشان می‌دهند. عنصر اول در همه انقلاب‌ها مشترک است: همه انقلابیون، با اراده و اختیار، وارد عرصه مبارزه می‌شوند. عنصر دوم و سوم (عنصر جای‌گزینی اندیشه جدید) باعث تنوع انقلاب‌ها می‌گردند. پسوند انقلاب‌ها و نظام‌های سیاسی بعد از انقلاب‌ها از این سه عنصر نشئت می‌گیرد. این سه عنصر، انقلاب را اسلامی، لیبرالیستی، کمونیستی می‌کند. به نظر می‌رسد حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی، بذر تحولات آتی جهان اسلام را پاشیده‌اند. رمز موفقیت امام، تأکید بر اسلام، و یکی از ویژگی‌های اسلام، دادن حس پرخاش به پیروان خود و مبارزه و نفی وضع موجود نامطلوب، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر است.^۴ انقلاب اسلامی، تحقق این اندیشه، و حج، عرصه انتقال این تجربه است.

۲. مبانی حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی

آنچه حج را ابراهیمی و انقلاب را اسلامی می‌کند و باعث تمایز حج‌ها و انقلاب‌ها از همدیگر هستند، سه پایه مهم خدامحوری، رهبری و مردم‌مداری و قرائت خاص از آنهاست که به صورت اجمال به بررسی هریک می‌پردازیم:

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۸۲.

۲. همان، ص ۴۸۳.

۳. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۹.

۴. پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۵۵.

الف) خدامحوری

انقلاب اسلامی، حاصل احیای تفکر دینی در دوره معاصر است که سرسلسله‌جنبان این جریان، در دهه‌های اخیر، حضرت امام خمینی علیه السلام بود. در واقع احیای اسلام ناب، محرک اصلی آن بود و با وقوع انقلاب اسلامی، حج ابراهیمی احیا شد. اسلام، منبع قوی و پرتحرک در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. پسوند «اسلامی» در حج و انقلاب، مقصد این دو حرکت را نشان می‌دهد. البته حج به‌عنوان یک عمل عبادی اجتماعی و سیاسی، و انقلاب به‌عنوان یک عمل اجتماعی و سیاسی، ولی هر دو برای انجام یک تکلیف و آن «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ»^۱ و «لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا»^۲ است. حج ابراهیمی، فرصت جهاد، ایثار، شجاعت، شهامت، وحدت، ذکر و پرستش توحید است.^۳ شرط امت واحده‌شدن جامعه اسلامی، ابراهیمی‌شدن مردمان جوامع اسلامی، بلکه مردمان جوامع بشری است و شرط ابراهیمی‌شدن، حذف تمام امتیازات مادی و معنوی از تک‌تک انسان‌ها و تمرین یک زندگی توحیدی در عرصه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. توحید را چگونه می‌توان در جامعه احساس کرد؟ در مناسک حج، زمانی که احرام بسته می‌شود و همه یکرنگ می‌شوند، توحید تجلی می‌یابد. علامه طباطبایی درباره عبارت «طَهَّرُ بَيْتِي»^۴ دو احتمال می‌دهد: احتمال اول، طهارت معنوی یعنی طهارت از شرک، و احتمال دوم، طهارت مادی و معنوی است. وی احتمال اول را تأیید می‌کند.^۵ اما با دقت در ماهیت حج، احتمال دوم مناسبت بیشتری دارد.

۱. قریش: ۳.

۲. حج: ۲۶.

۳. صحیفه امام خمینی، ج ۲۱، ص ۷۷.

۴. حج: ۲۶.

۵. ترجمه تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبایی، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۲۰.

به عبارت دقیق‌تر مفهوم مخالف طهارت از شرک، اثبات توحید است. توحید در صورتی محقق می‌گردد که انسان از تمام حیثیات موحد باشد. در مواجه عمیق‌تر با آیه، نظافت از مظاهر رذایل اعتقادی مانند شرک، رذایل اخلاقی مانند نفاق، رذایل اجتماعی مانند تبعیض و بی‌عدالتی، رذایل اقتصادی مانند ربا، احتکار و رذایل سیاسی مانند برتری‌جویی‌های سیاسی و گرایش به اعمال طاغوتی نظیر استبداد و سلب آزادی‌های مشروع مردم است. شاید مفهوم «وَضِعَ لِلنَّاسِ» همین باشد. تطهیر از هرگونه پلیدی، چهره دیگری از تثبیت توحید است. محتوای حج، گرایش به حق و تهی‌کردن دل از همه تعلقات، رجم شیاطین انس و جن و عهد با خدای یکتا برای طرد قدرت‌های شیطانی است.^۱

یک سؤال مهم: آیا اعمال و مناسک حج، صرفاً شبیه‌سازی صوری و تکرار طوطی‌وار تاریخی آنهاست؟ زیرا امروز نه اسماعیلی وجود دارد، نه ابلسی و نه کاردی! درک ابراهیم، اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام و ابلیس امروز مهم است. امام خمینی، به‌خوبی این مسئله را تبیین، و حج ابراهیمی، محمدی را مطرح می‌کند که فراتر از مقطع تاریخ قرار می‌گیرد.

حج از اختلاف لغات، نژاد، عادات، آداب فراتر است. از یک سو فرصتی برای تماس با بدنه دنیای اسلام و انتقال تجارب و ارزش‌های اسلامی است و از سوی دیگر، فرصتی است که مسلمان ایرانی، با اخلاق و منش خود، جمهوری اسلامی را معرفی کند. حج تجلی توحید است. توحید دو جزء است: یکی الله و یکی لا اله غیر الله؛ یکی اثبات و یکی نفی است. حج، اثبات ولایت الله و نفی ولایت غیر الله است. این همان برائت است.^۲ عبارت «اسلام جمهوری اسلامی»، صرفاً با تبلیغ و ژست روشن نمی‌شود، بلکه با عمل قلوب مردم مسلمان جلب می‌گردد. مردم حکومت خود را درک می‌کنند. انتقال این درک عامل تمایز خواهد بود. اسلام جمهوری اسلامی از حیث نظری و

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۶۰.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کراگزاران و دست‌اندرکاران حج، ۴/ ۸/ ۱۳۸۸.

عملی، نفی طاغوت با تمام مصادیق و تأسیس جبهه غیرخودی و اثبات نظری و عملی حقانیت و تأسیس جبهه خودی است. یکی از عوامل مهم همبستگی جهان اسلام، تفکیک این دو جبهه است. در صورت عدم تفکیک این دو جبهه، تضاد در داخل گروه شکل می‌گیرد. ولی با تمایز این دو گروه، انسجام درونی حاصل شده و با گروه مقابل در تضاد خواهد بود.^۱ سیاست دشمن‌تراشی برای ایجاد انسجام مصنوعی یا حذف جناح‌های سیاسی و تنگ‌نظری‌های جناحی، منظور نیست؛ بلکه هدف، تفکیک جبهه توحید با همه گستردگی از جبهه شرک است.

امام خمینی در مصاحبه با روزنامه «السفیر» در پاسخ به این سؤال که: «در اذهان مردم، درباره برنامه انقلاب به عنوان یک انقلاب اسلامی، اشتباهی وجود دارد. مضامین فکری، اقتصادی و بین‌المللی انقلاب اسلامی ایران چیست؟»، چنین جواب می‌دهد:

انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است که محتوای این اصل، در همه شئون جامعه، سایه می‌افکند. در اسلام، تنها معبود انسان و بلکه کل جهان، خداست که همه انسان‌ها باید برای او یعنی برای رضای او عمل کنند. هیچ چیز و هیچ کس را نپرستند. در جامعه‌ای که شخص پرستی‌ها و شخصیت پرستی‌ها، نفع پرستی‌ها و لذت پرستی‌ها و هر نوع پرستش، محکوم می‌شود و فقط انسان‌ها دعوت می‌شوند به پرستش خدا. در آن صورت همه روابط بین انسان‌ها، چه اقتصادی و یا غیراقتصادی، در داخل چنین جامعه‌ای و در رابطه این جامعه با خارج تغییر می‌کند و ضوابط عوض می‌شود. همه امتیازات لغو می‌شود. فقط تقوا و پاکی، ملاک برتری است. زمامدار با پایین‌ترین فرد جامعه برابر است. ضوابط و معیارهای متعالی الهی و انسانی، مبنای پیمان‌ها و یا قطع روابط است.^۲

۱. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع پور، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵.

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص ۸۱.

اساس ایدئولوژی انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی، نفی طاغوت، نفی شخص، شخصیت و لذت‌پرستی و تحقق‌بخشیدن به حاکمیت الله و مردم از طریق آگاهی، اجتماع و قیام به شیوه انسانی و با لغو تمام امتیازات است.

ب) رهبری

براساس حدیث مبانی پنج‌گانه دین (نماز، روزه، زکات، حج و ولایت)، حج بدون ولایت، حضور در عرفات بدون معرفت امام، قربانی در منا بدون فداکاری در راه امامت و سعی بدون تلاش برای شناخت امام، بی‌حاصل است.^۱ وجود رهبری جامع‌الشرایط در حج و انقلاب ضروری است. حج و انقلاب بدون رهبری، نتیجه‌ای جز پراکندگی، دعوای بی‌حاصل، سردرگمی و هزینه‌ها و تلفات جبران‌ناپذیر نخواهد داشت. حج ابراهیمی بدون ابراهیم علیه السلام، حج محمدی بدون محمد صلی الله علیه و آله و انقلاب ایران بدون رهبری امام خمینی، ابراهیمی، محمدی و اسلامی نخواهند بود.

چرا باید حجاج، مقام ابراهیم علیه السلام را مصلی قرار دهند؟ چرا خدا از ابراهیم و اسماعیل علیه السلام تعهد تنظیف خانه را می‌گیرد و منظور از این نظافت چیست؟ خداوند به ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: میان مردم صدا بزن و مردم، پیاده و سواره، به سوی خانه خدا می‌آیند؟^۲ تأمین اسرار معنوی و آسمانی حج و جهت‌دادن به اجتماع انبوه حاجیان و هدایت قیام و مبارزات مورد نظر از مواضع حج بدون رهبری به نتیجه‌ای نمی‌رسند.^۳

اگر حج یک امر تاریخی باشد، همه‌چیز پایان یافته است. اگر غیرتاریخی باشد،

۱. صهبای حج، جوادی آملی، ص ۹۳.

۲. حج: ۲۷.

۳. صهبای حج، ص ۹۷.

ابراهیم زمان را که امامت حج را به عهده گیرد و آن را به جایگاه اصلی خود بازگرداند، باید جست‌وجو کرد. حج ابراهیمی با ابراهیم علیه السلام معنا می‌یابد. حج بدون امامت انسان صالح، نمی‌تواند محل خیزش عمومی و قیام علیه طاغوت‌های داخلی و بین‌المللی باشد. امام باقر علیه السلام به مردمی که گرد کعبه طواف می‌کردند، نگاه کرد و سپس فرمود:

در جاهلیت این‌گونه طواف می‌کردند. همانا به آنان دستور دادند که بر گرد کعبه طواف کنند، سپس به سوی ما کوچ کنند و با ما اعلام همبستگی و دوستی کنند و یاری خود را بر ما عرضه بدارند.^۱

یک رهبر لایق و شایسته الهی، عظمت حج را احیا می‌کند. حج با همه مزایایش، ابراهیم علیه السلام بنیانگذار آن است. مقام ابراهیم علیه السلام، محلی است که ابراهیم علیه السلام همه مردم جهان را به حج دعوت کرد و صلاهی ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ﴾^۲ را سر داد. وقتی مردم دور دور یک رهبر، ابراهیم‌وار حلقه زدند، مفهوم ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا﴾^۳ محقق می‌شود و امنیت برقرار می‌گردد؛ چون بلافاصله ﴿وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُضَلًّا﴾^۴ بیان می‌شود. عهد و پیمان با ابراهیم و اسماعیل علیه السلام، زمینه مثبت و امنیت را فراهم می‌کند. فرهنگ‌سازی و دعوت مردم به حج و آشناساختن مردم به اسرار و منافع آن، وظیفه ابراهیم علیه السلام است. گردهمایی بدون رهبری، نه تنها به امنیت ختم نمی‌گردد؛ بلکه به درگیری و نزاع مبدل می‌شود؛ چون همه ادعای بزرگی و منیت دارند. جریان‌سازی اجتماعی و سیاسی در گردهمایی حج، بدون رهبری شکل نمی‌گیرد. امام خمینی تبلیغ و تعلیم را دو فعالیت مهم در راستای قیام امت اسلامی و تأسیس

۱. کافی، کلینی، ج ۱، ص ۳۹۲.

۲. حج: ۲۷.

۳. بقره: ۱۲۵.

۴. همان.

حکومت می‌داند.^۱ امام خمینی، نظیر خلیل الرحمن، حج را احیا و اقامه کرد.^۲ حج نمایشگاه مبارزه اسلامی است. اگر در قرآن، حج «قیاماً للناس» قرار داده شده، یکی از اهداف اصلی قیام، تأسیس حکومت اسلامی در جهت تأمین منافع جامعه اسلامی است. بدون حکومت اسلامی واقعی، همه اعمال حج بی‌روح و نوعی بت‌پرستی خواهد بود. اینکه چه کسی صلاحیت رهبری جامعه اسلامی را دارد، باید به صورت جداگانه بحث شود؛ همان‌گونه که رهبری حج از مردم، در میان مردم و با مردم است.

رهبر انقلاب اسلامی هم یک رهبر مردمی بود. روحانیت شیعه در میان مردم زندگی کرده و ارتباط بسیار نزدیکی با آنها دارند.^۳ حضرت ابراهیم علیه السلام پس بنای کعبه، یک دعای آینده‌نگرانه درباره امت اسلامی می‌کند: «پروردگارا، در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی». اجتماع گروه مؤمنان در حج و انقلابیون در انقلاب، نیازمند رهبری است. کسی می‌تواند رهبری یک گروهی را به عهده بگیرد که از جنس آن گروه، هم‌ارزش با آن گروه باشد و در جهت تأمین و پیگیری اهداف آن، از محبوبیت و توانایی لازم برخوردار باشد. آیه، همه این صفات را بیان می‌کند. درواقع، مهم‌ترین ضوابط رهبری از میان گروه و مردم‌بودن، هم‌ارزش‌بودن و نیازهای مشترک‌داشتن است.^۴

حج ابراهیمی، فرایند شکل‌گیری رهبری و امامت جامعه را در ابراهیم علیه السلام به نمایش گذاشت تا هر کسی در هر زمانی بداند، رهبری جامعه اسلامی و هدایت امت اسلامی به‌سوی خدا، کار هرکسی نیست و هزینه‌های زیادی را باید تحمل کند.

۱. صحیفه امام خمینی، ص ۱۱۶.

۲. صهای حج، ص ۲۷۱.

۳. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، ۱۳۸۲، ص ۹۶.

۴. آناتومی جامعه، فرامرز رفیع‌پور، صص ۱۲۰ و ۱۲۱.

ج) نقش مردم

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾^۱ (آل عمران: ۹۶).

مقصود آیه، این نیست که خانه‌ای در عالم نبود، بلکه کعبه نخستین خانه به نام خدا و به سود عموم مردم تأسیس شده است. هر ساختمانی که به دست آدمی ساخته شده، به نفع فرد و به زیان دیگران است. کاخ‌های ساخته عموم بشر، ملل را قربانی می‌کند؛ ولی خانه‌ای که به نام خدا باشد، همه را تسلیم حق می‌گرداند.^۲

کعبه، محل اجتماع مردم و مرکز خیروبرکت است. مهم‌ترین خیروبرکت آن عدالت، مردمی‌بودن و فقدان تبعیض است. خانه‌ای که در آن حق، عدالت و مردم باشد، امنیت کامل برقرار است. تبعیض قومی، نژادی، مذهبی، حاکمیت انسان‌های مستبد و ظالم، کفر، نفاق، فسوق و خودپرستی، تهدید، تنازع و درگیری در آن وجود ندارد. در واقع بنیان خانه خدا، بنیان مبارزه با باطل، به معنای تام کلمه است. انقلاب عقیدتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با بنیانگذاری خانه آغاز شد و ابراهیم رهبر انقلاب بود.

در حج، مافیة‌الحرکه مردم است. یک خانه روی زمین با صراحت، مشترک بین خدا و مردم است یا چون خالص خانه خداست، خانه مردم است؛ یا بالعکس، چون خانه مردم است، خانه خداست. کعبه را هم بیت الله می‌نامند و هم ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾ گویند. از امام علی علیه السلام نقل شده است: «قال كانت البيوت قبله و لكنه أول بيت وضع لعبادة الله».^۳ تنها خانه‌ای که فقط برای بندگی خدا بنا شده است و از زخارف دنیا به دور است، البته اگر دست دنیاطلبان کوتاه باشد. دل‌خدایی، خانه خدا و خانه خدا، خانه مردم است. «بیت عتیق است؛ عتیق یعنی آزاد. خانه‌ای که از مالکیت شخصی، از

۱. نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شده، همان است که در مکه است. خانه‌ای که جهانیان را سبب برکت و هدایت است.

۲. به سوی خدا می‌رویم با هم به حج می‌رویم، محمود طالقانی، ۱۳۳۲، ص ۵.

۳. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، محمدجواد بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۱۳.

سلطنت جباران و حکام آزاد است. کسی را بر آن دستی نیست. صاحب خانه خداست و اهل خانه، مردم.^۱ فاصله انسان و خدا چیست؟ آیا زمان است یا مکان؟ هیچ کدام! فاصله انسان و خدا، خودیت و منیت انسان است. خدا نزد قلب‌های شکسته است. مردم در خانه‌ای هستند که کسی احساس مالکیت نمی‌کند.

از آیات قرآن در مورد کعبه، جنبه‌های فراوانی قابل استفاده است:

۱. آزادی مردم «بیت عتیق»؛
۲. امنیت: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران: ۹۷)؛
۳. همسویی دل‌ها: «فَجَعَلَ أَفئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (ابراهیم: ۳۷)؛
۴. آسایش و رفاه «وَأَرْزُقُهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ» (ابراهیم: ۳۷)؛
۵. محل خیر و برکت مطلق؛
۶. هدایت مردم؛
۷. محل اجتماع مردم.

عبارت «مَثَابَةً» را بعضی از مترجمان، محل اجتماع و بعضی محل رفت و آمد، بعضی محل توجه، بعضی محل ثواب، بعضی مرجع امر دین و بعضی بازگشتگاه مردم معنا کرده‌اند. مفردات راغب، ذیل ماده «ثوب»، آن را بازگشت به حالت اول یا محل رسیدن به ثواب معنا می‌کند. اما آنچه با عبارات «امناً» و «مشاهده منافع» و «قیام» در حج سازگار است، بازگشت به حالت اول و محل اجتماع است. عبارت «مَثَابَةً» با امنیت ارتباط دارد. در هر صورت، کعبه محل اجتماع دنیا و آخرت، خدا و مردم، عبادت و زندگی، دین و سیاست است. از مسجدالحرام به (بکّه) تعبیر شده است که به معنای ازدحام جمعیت است. تنها جایی است که مردان و زنان، دوشادوش یکدیگر نماز می‌خوانند، طواف

می‌کنند، رازونیا می‌کنند. اینکه بعضی مفسران، «بکه» را منقلب از واژه «مکه» می‌دانند، هیچ مدرکی ندارند.^۱

از دحام و اجتماع جمعیت خداپاوران، برکت و هدایت عالمیان است. عبارت برکت، فراگیر برکات دینی و دنیوی است. حج، یک جامعه ارگانیک، و امتی است که مهم‌ترین ویژگی‌های آن علم و آگاهی، عمل، اهل سیاست و دین‌بودن، شور، شعور، شراره و عشق، محل ظهور «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»، یعنی تولا و تبرا و احساس وحدت و همبستگی انسانی است. همه عوامل تضاد، فاصله، بیگانگی و برتری‌جویی‌ها در میقات فرو ریخته است.

حضرت ابراهیم بت‌شکن، خدمتگزار مردم طواف‌کننده، قیام‌کننده، رکوع‌کننده و سجودگر «لِلظَّالِمِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۲ است. همه در مسجدالحرام برابرند و فرقی میان حضری و سفری و دور و نزدیک وجود ندارد: «وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ»^۳. این عبارت به نظر می‌رسد نقطه کانونی در آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يُظْلَمِ نُذُوقُهُ مِن عَذَابِ أَلِيمٍ»^۴ باشد و به قرینه عبارت «جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ»، بقیه عبارات تبیین می‌گردند.

بعضی مفسران «وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ»، و ادامه آن را بیان‌کننده خبر «إِنَّ» می‌دانند.^۵ صاحب اطیب البیان، «ملحد» را عام‌تر از کفار و آن را میل از حق می‌داند و شامل کسانی که حرمت مسجدالحرام را با ریختن بزاق دهان، تنجیس، بدون احرام واردشدن،

۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، عبدالحسین طیب، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۸۸.

۲. حج: ۲۶.

۳. حج: ۲۵.

۴. همان.

۵. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۵۱۹.

ظلم به حیوانات یا خادم خود نگه نمی‌داشتند، می‌داند.^۱ اگر بیان اطیب البیان را در نظر گیریم، اراده‌کنندگان الحاد، شامل کسانی می‌شود که برابری مردم را بر نمی‌تابند و بر تبعیض‌های ناروای جاهلی عرب و عجم، فقیر و غنی، سیاه و سفید و ارباب و برده اصرار می‌ورزند. اگر این‌گونه نباشد، تکلیف کفار و مشرکان روشن است و در مناسک حج، جایگاهی ندارند. در واقع پیام آیه، برابری مردم و اهمیت ناس در حج است.

امام خمینی انقلاب ایران را، انقلاب مربوط به ناس می‌داند نه قشر خاصی: این نهضت ایران، نهضت مخصوص به خودش نبوده و نیست. برای اینکه اسلام مال طایفه خاصی نیست. اسلام برای بشر آمده است؛ نه برای مسلمین و نه برای ایران. انبیا مبعوث‌اند بر انسان‌ها و پیغمبر اسلام مبعوث بود بر انسان‌ها. خطاب به ناس [است]: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾. ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم؛ جمهوری، جمهوری اسلامی است؛ نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی. نهضت برای اسلام، همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم اهل عربستان است؛ لکن دعوتش مال عربستان نبوده؛ محصور نبوده به عربستان؛ دعوتش مال همه عالم است.^۲ از نظر امام، انقلاب به قشر خاصی متکی نیست، اما نقش اصلی را طبقه مستضعف، مستمندان، فقرا، زاغه‌نشینان، حاشیه‌نشینان و محرومان ایفا کردند.^۳ در واقع، خاستگاه انقلاب مانند خاستگاه اسلام است؛ اما جهت‌گیری آنها، عام و انسانی و ناس است و منافع ناس را تأمین می‌کند. از نظر امام خمینی، آیه ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾ دلیل بر همگانی بودن دعوت

۱. اطیب البیان فی تفسیر القرآن. ج ۹، ص ۲۸۹.

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۴۶.

۳. درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، محمدرضا دهشیری، ۱۳۸۰، ص ۶۰.

خدای تبارک و تعالی به اسلام است و این خانه را برای تمام عالم قرار داده است.^۱ انقلاب اسلامی، تنها انقلاب یا کم‌نظیرترین انقلاب‌های مردمی دنیاست. شاید بتوان «ناس» در قرآن را معادل «people» در لاتین، و مردم در فارسی، و «قوم» و «امت» را معادل «nation» در لاتین، و ملت در فارسی قرار داد. مفاهیم دسته اول، بی‌رنگ و تعلق‌اند و مفاهیم دسته دوم، تعلقات دارند؛ دسته دوم رنگ، نژاد، جغرافیا، مذهب، طبقه، حزب و... خورده است. دسته اول همه اینها را دارد، ولی خود را در آن محصور نکرده است. انقلاب فرانسه بورژوازی، انقلاب روسیه پرولتاریایی، انقلاب چین دهقانی است؛ یعنی رنگ طبقه را گرفته‌اند. «برچیده‌شدن سلسله پهلوی خواست همه اقشار ملت است».^۲ همه اقشار، مفهوم ناس و مردم را می‌رساند. مخاطب امام خمینی، مردم بود. محل تجمع انقلابیون، مکان‌هایی بودند که به هیچ‌کس تعلق نداشت. مساجد، خانه‌های متعلق به مردم هستند. مشروعیت و اعتبار یک حرکت انقلابی و استمرار آن بر متکی بودن به مردم وابسته است.^۳ شدت و کیفیت مبارزه و طول مدت آن، به کمیت و کیفیت مردم ارتباط دارد. در انقلاب اسلامی و حج، مردم موضوعیت دارند. کعبه برای مردم قرار داده شده است. انقلاب برای مردم صورت گرفته است. شاید عبارت «ولی نعمت» در این فضا مفهوم پیدا کند.

به نظر می‌رسد تعبیر پروفیسور «اچ زیگمن» صحیح باشد که می‌گوید: «در قلب دکترین سیاسی اسلام، امت و جامعه اسلامی جای دارد»^۴ نه دولت و حکومت. اصالت و مشروعیت حکومت، تابعی از میزان تأمین مصالح مردم و جامعه اسلامی است.

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۳۷.

۲. همان، ج ۳، ص ۴۶۹.

۳. برهه انقلابی در ایران، علیرضا شجاعی زند، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵.

۴. دولت و حکومت در اسلام، آن. کی. اس لمبتون، ۱۳۷۴، ص ۵۳.

۳. روش‌ها

اگر بپذیریم که مبانی حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی مشترک است و خدامحوری، مردم‌محوری و رهبری، سه مبنای مهم این دو پدیده هستند، سؤال اساسی این است که در چه صورتی این سه مبنا، منشأ آثار اجتماعی و سیاسی می‌گردند؟ به نظر می‌رسد سه عنصر آگاهی، هم‌گرایی و قیام، باعث ظهور عملی و کاربردی آنها می‌گردند.

الف) آگاهی

آگاهی، احساس مسئولیت قدرت و توانایی برای واکنش متناسب با موقعیت را به کنشگر می‌بخشد.^۱ اصلاحات و تغییرات در زندگی فردی و اجتماعی، از آگاهی، احساس مسئولیت و قدرت ناشی می‌شود. مراکز تجمع، یکی از عوامل آگاهی و فرهنگ‌پذیری است. حج یک پایگاه و فرصت برای انتقال معارف دین و اطلاع‌رسانی به مسلمانان^۲ و آگاهی‌بخشی و مسئولیت‌افزایی است. یکی از مواقف حج، مشعرالحرام، سرزمین شعور و خودآگاهی، مرحله پس از شناخت و عرفات، یعنی آگاهی است. شعور اول علم است از راه مشاعر و حواس و به قولی شعور، ادراک دقیق است.^۳ شناخت، مسبوق به شعور، و شعور، بعد از شناخت است. از آگاهی، خودآگاهی زاده می‌شود.^۴

شعار و شعور در این اجتماع موج می‌زند. خودآگاهی، باعث آزادی انسان از چهار زندان طبیعت، تاریخ، جامعه و خویش می‌گردد. حج، امکان انقلاب علیه از خودبیگانگی فطری و از خودبیگانگی اجتماعی را فراهم می‌آورد و بازگشت به خویش فطری، اجتماعی

۱. اسرار قدرت درون، لوئیز هی، مترجم پری نیکزاد، ۱۳۸۷، صص ۱۹ و ۲۰.

۲. جامعه‌شناسی جنبش‌های اسلامی، حمید محمدی، ۱۳۹۲، ص ۸۷، به نقل از: احمدی، ۱۳۹۰، صص ۳۵ - ۴۵.

۳. قاموس قرآن، علی‌اکبر قرشی، ۱۳۵۴، ج ۴، ص ۴۳.

۴. حج، علی شریعتی، ص ۱۰۳.

و تاریخی را احیا می‌کند. منا محل استفاده از علم عرفاتی و شعور مشعری است و این خود آگاهی، قدرت تولا و تبرا را در وجود انسان خلق می‌کند. از یک سو عاشقانه، هستی خود را قربانی می‌کند و از سوی دیگر ابلیس، بزرگ‌ترین نماد دشمنی را رمی می‌کند. جبهه خودی و غیرخودی در منا شکل می‌گیرد. انسان بعد از مسیر طولانی از میقات و گذر از موافق به مرحله مبارزه و انتخاب رسیده است. توحید را در برابر شرک، ایمان را در برابر کفر، رنگ انسان را در برابر فردیت و اجتماع را در برابر تفرقه انتخاب می‌کند.

حج، عرصه آگاهی‌یابی از زمینه‌های فکری، رشد و توسعه کشورهای اسلامی و از عقب‌ماندگی‌ها و گرفتاری‌های آنان و نحوه حکومت‌داری آنان و توجه به وضع اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلامی است.^۱

انقلاب، نتیجه آگاهی و رشد سیاسی و فکری یک ملت است. امام این گونه به جنبه آگاهی‌بخشی حج تصریح می‌کند:

بررسی اوضاع مسلمین در هر سال که مسلمین در چه حال هستند، بین خودشان با حکومت‌ها چه وضعی است، بین حکومت‌ها با قدرت‌های شیطانی دیگر چه وضعی است، بین خود ملت‌ها با خود ملت‌ها چه وضعی است، بین روحانیونی که در بلاد متفرقه مسلمین هستند با وضع حج چه وضعی دارند.^۲

رخداد انقلاب اسلامی، صدور انقلاب و شکل‌گیری خیزش‌های اسلامی و تحقق آرمان‌های اسلامی، منوط به آگاهی همه‌جانبه از ابعاد اسلام و درک درست از آنها است. به تعبیر امام خمینی، هیچ فرصتی بالاتر از کنگره عظیم حج در اختیار مسلمانان نخواهد بود.^۳ آگاهی‌بخشی در چند عرصه شکل می‌گیرد:

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۳.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۵۱.

۳. صحیفه حج، روح الله خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳.

یک - مسائل داخلی

ملت‌ها و دانشمندان هر کشوری از فرصت حج برای تبیین اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فکری و فرهنگی کشور خود بهره می‌برند.

دو - رابطه دولت‌ها و ملت‌های اسلامی

بررسی ساختار حکومت‌ها و نحوه رابطه و تعامل مردم و دولت و میزان رعایت حقوق اساسی مردم در کشورهای اسلامی، می‌تواند در حج صورت پذیرد. کشورهای اسلامی، فراتر از سازمان‌های بین‌المللی، می‌توانند در برابر نقض حقوق بشر در یک کشور اسلامی اقدام کنند.

سه - مسائل منطقه‌ای

در این حوزه، مسائل کشورهای اسلامی دسته‌بندی شده است و اندیشمندان و نخبگان کشورهای اسلامی، به پیشنهاد راه حل می‌پردازند. قرآن کریم حجاج را مستطیعان امت می‌داند. هرچند استطاعت را فقط در زمینه مالی، جانی و وقت و راه معنا کرده‌اند، شاید از مصادیق آن، استطاعت فکری و نخبگی باشد. سرانجام، انسان‌های رشدیافته مذهبی، سیاسی و مالی، تجار و اندیشمندان در آن جمع هستند. کدام اجلاس از نظر عده و عُده از حج غنی‌تر و در انتقال تجارب و رفع ابهامات و سوء تفاهمات فیما بین، قوی‌تر است.

چهار - مسائل بین‌المللی

در عرصه بین‌المللی، روابط کشورهای اسلامی با کشورهای جهان و تعامل آنها با کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. حج در میان همه فرایض، برای شکوفایی استعدادهای فردی و اجتماعی، معنوی و مادی و در بازسازی هویت جوامع اسلامی، در سطوح چهارگانه فوق، تعیین‌کننده است؛

امتی که از همه نژادها، اقلیم‌ها و فرهنگ‌ها در حج به انسجام می‌رسد و می‌تواند به یک جبهه پایداری مبدل گردد.^۱ حج به لحاظ فرهنگ‌پذیری^۲ که یک فرایند حاصل از تماس پیوسته و مستقیم میان الگوهای فرهنگی از فرهنگ‌های متفاوت است که به تغییرات بعدی نسبت به الگوهای فرهنگی آغازین در یک یا دو گروه می‌انجامد،^۳ یک کارگاه طولانی مدت است. حج و انقلاب اسلامی باهم رابطه‌نمایی دارند. حج از یک نظر ظرفیت صدور انقلاب اسلامی را دارد و از سوی دیگر، فضای حج و صدور گفتمان انقلاب اسلامی باعث بیداری اسلامی، و آغاز حرکت‌ها و خیزش‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی خواهد شد. بسیاری از تحولات جوامع از طریق تماس‌های فرهنگی و سیاسی صورت می‌گیرد. هیچ تماسی قوی‌تر، عاطفی‌تر و همگون‌تر از تماس در مواقف و مواضع حج نیست همان‌طوری که از تعریف فوق برمی‌آید، حاصل تماس میان الگوهای فرهنگی، تغییرات در الگوهای موجود و ایجاد الگوهای جدید است. یکی از ثمرات انقلاب اسلامی، احیای حج ابراهیمی بود حجی که دارای روح تحرک، معنویت، وحدت، سازندگی، برائت و مبارزه علیه ظالم است^۴ و از سوی دیگر، حج ابراهیمی فرصتی برای تداوم انقلاب اسلامی است. حج، پل ارتباطی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای اسلامی و ملل مسلمان است. امام خمینی، مکرر به کاروان‌های حج جمهوری اسلامی تأکید می‌کند که حج، می‌تواند مرکز تبلیغ و تثبیت جمهوری اسلامی و تخریب آن باشد.^۵ حج و مواقف آن، فرصتی برای انتقال تجارب سیاسی و اجتماعی

۱. پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت الله الحرام، ۱۱/ ۱۱/ ۱۳۸۲.

2. Acculturation.

۳. درآمدی برانسان شناسی، کلود ریویر، مترجم ناصر فکوهی، ۱۳۷۹، ص ۶۶.

۴. سخن‌نامه حج، ج ۱، ص ۳۲۸.

۵. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

و رفع موانع سیاسی و اجتماعی کشور و سوء تفاهمات بین جهان اسلام و جمهوری اسلامی است و زمینه همسویی را فراهم می‌کند:

امید آن است که دیگر برادران مسلمان گرفتار در چنگال خون‌خواران و ستم‌کاران، از این انقلاب اسلامی بهره‌برداری کنند و دولت‌های اسلامی، با پشتیبانی ملت‌های خود، به انقلاب بزرگ ایران پیوندند.^۱

جمهوری اسلامی با نمایش چهره درست و عملکرد مناسب از خود در ایام حج، حربه تبلیغات تخریبی علیه شیعه اثناعشری و جمهوری اسلامی را خنثی می‌کند و افکار حدود سه میلیون حاجی را به عنوان نمایندگان بیش از یک میلیارد جمعیت مسلمان، روشن می‌سازد و پادزهری در مقابل قلم‌ها و زبان‌های زهرآگین که در صدد شکست انقلاب اسلامی برآمده و «به سرکوبی این انقلاب اسلامی بپاخته‌اند»^۲، ایجاد می‌کند.

ب) وحدت کلمه یا همبستگی

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ﴾^۳

همبستگی از چهار عامل ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها و تجمعات مشترک حاصل می‌گردد، و چهار کارکرد تطبیق با شرایط جدید، حل تنش‌های اجتماعی، نیل به اهداف و حفظ همبستگی را ایفا می‌کند.^۴

همه عوامل همبستگی و کارکردهای آن در حج، در قالب «کلمه توحید» و «توحید کلمه» خود را نشان می‌دهد. در همه ادیان، تشکیل انجمن اخوت برای رسیدن به آرمان مذهبی و اجتماعی متدینان رواج دارد. این حرکت برای همبستگی پیروان، جهت

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۷۰.

۲. همان.

۳. بقره: ۱۲۵.

۴. انقلاب و بسیج سیاسی، حسن بشیریه، ۱۳۷۴، ص ۵۱.

اعتراض به وضع موجود، وصول به آرزوی مشترک و تجدید و تشدید اعمال دینی بنیادی است.^۱

زمینه شکل‌گیری اخوت و برادری در اسلام، با توجه به تأکیدات قرآن کریم و متون دینی، بسیار گسترده است. اساساً مذهب، خاصیت تشکیلاتی بالایی دارد. این تشکیلات می‌توانند ماهیت سیاسی و اجتماعی، هیئتی، رهبانی و انزوایی، محافل عرفانی و درویشی‌گری موافق وضع موجود یا مخالف وضع موجود داشته باشند.

از میان کارکردهای دین، دو کارکرد تنظیم‌کنندگی روابط برای خیر همگان و برانگیختگی احساس مشترک و وحدت اجتماعی در بحث حاضر، بسیار مهم است. از این رو گناه، کنش برهم‌زننده روابط داخلی گروه است و مناسک، عامل حفظ وحدت اجتماعی و احساس مشترک محسوب می‌شود.^۲

مناسک و مواقف حج، از این حیث بیشترین تأثیر را در ایجاد وحدت اجتماعی و تنظیم روابط مسلمانان و کشورهای اسلامی، برای تأمین خیر عمومی آنها خواهد داشت.

تحقق جامعه‌شناختی حج، منوط به وحدت کلمه است. حج، کارکرد خود را بدون همفکری، همدلی، هم‌گرایی و درک عمیق شرایط و تفاهم بین ملل اسلامی ایفا نمی‌کند. البته شرط وحدت پذیرش، وجود اشتراکات با طرف مقابل است. امام صادق علیه السلام فرمود: «مؤمن برادر مؤمن است. همچون یک پیکر که هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اندام‌ها آن درد را حس می‌کنند، ارواح آنها از یک روح است».^۳ در جوامع اسلامی، این روح جمعی، بسیار تضعیف شده است.

۱. جامعه‌شناسی دین، یوآخیم واخ، مترجم جمشید آزادگان، ۱۳۸۷، ص ۱۷۳ و ۱۷۵.

۲. جامعه‌شناسی دین، ملکم هیلتون، مترجم محسن ثلاثی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰.

۳. منتخب میزان الحکمه، ص ۱۳.

اگر دایره ایمان و مؤمن تنگ باشد و فرقه های تکفیری از هر سو خیز بردارند، جامعه ایمانی محدود به فرقه های مذهبی درونی خواهد شد. در اصول فقه، بحثی با عنوان اقل و اکثر ارتباطی و اقل و اکثر استقلالی^۱ وجود دارد که کمتر در مباحث عقیدتی، اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است؛ در حالی که می توان از آن بهره های فراوان در کلام و سایر علوم برد. اگر مذاهب اسلامی شیعه و سنی، هر یک خود را حق مطلق، و فرقه مقابل را باطل مطلق پندارند، آن گاه راه هرگونه گفت و گو و هم گرایی بسته می شود. نگاه اقل و اکثر، ارتباطی می گردد و قضیه همه یا هیچ مطرح می شود؛ در حالی که با نگاه اقل و اکثر استقلالی و قضیه نقص و کمال بر مشترکات تأکید شده و حقانیت کلی همدیگر را نفی نمی کنند. حج می تواند مرکزی برای اجتماع دل ها، و کنگره عظیم برای استحکام پیوندهای گوناگون و مرکزی برای رفع نابسامانی ها^۲ و سوء تفاهمات باشد، و وحدت، تنها راه حل مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی، بلکه جهان مستضعفان است.^۳

امام، روش ایجاد وحدت را تبلیغ و دعوت می پندارد و مرکز تحقق وحدت را مکه می داند.^۴ امام با افشای جنایات شاه در پیام به زائران بیت الله ۱۳۴۹، مناسک و اجتماع حج را فرصتی برای حل مسائل و تبادل نظر و تفاهم و کوشش در راه تأمین اهداف

۱. اقل و اکثر استقلالی تقریباً روشن است و امام درباره اقل و اکثر ارتباطی چنین می فرماید: فتنحصّل ممّا ذکرنا: أنّ الأصل العقلي في باب الأقلّ والأكثر الارتباطيين هو البراءة، فإذا اجتهد العبد في تحصيل العلم بأجزاء المركّب، وبذل جهده في التفحص عن الأدلّة بمقدار ميسوره، وقامت الحجّة على عدّة أجزاء للمركّب و علم أنّ المولى قد أخذها فيه قطعاً، و شكّ في اعتبار شيء آخر جزءاً، فأتى بما قامت الحجّة عليه، وترك غيرها ممّا هو مشكوك فيه، لا يُعدّ عاصياً، ويكون العقاب على تركه بلا بيان ولا برهان (أنوار الهداية في التعليقة على الكفاية، امام خميني، ج ۲، ص ۲۸۲).

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۹۰.

۳. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۹۱.

۴. همان، ج ۱۰، ص ۳۳۹.

مقاصد شریعت و تعالی مسلمین و پیوستگی جامعه اسلامی، استقلال و ریشه‌کن کردن استعمار مطرح می‌کند.^۱ فعال‌شدن این فرصت با توسعه آگاهی، هم‌گرایی، بسیج اجتماعی و قیام امکان‌پذیر است. انقلاب اسلامی حاصل هم‌گرایی است. ادبیات امام خمینی، تأکید بر هم‌گرایی ملی در سطح ملت ایران، هم‌گرایی مسلمانان در سطح جهان اسلام و هم‌گرایی مستضعفان در جهان مستضعفان است.

ج) قیام و مبارزه

از نظر هانتینگتون، جوهره قیام و انقلاب توسعه آگاهی سیاسی و بسیج اجتماعی در درون حوزه سیاسی است.^۲ فلسفه حج به‌عنوان فریاد مظلومان و موحدان عالم علیه ظالمان^۳، بدون آگاهی و بسیج همگانی امکان‌ناپذیر است. بنای کعبه، برای مبارزه با بندگی اوهام، اصنام، گذشته‌گرایی، استثمار و استعمار و هرگونه تسلیم در برابر طواغیت زمان است.^۴ خداگرایی (لله)، مردم‌نگری (للناس) و آینده‌نگری (اذن یاتوک) از اصول اساسی حج ابراهیمی است. قیام به یک ملت هویت می‌بخشد. خداوند کعبه را خانه و مرکز قیام مردم قرار داد (مائده: ۹۷). امام خمینی، تحقق مظاهر آیه ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾^۵ را منوط به تحقق مفهوم آیه ﴿قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾^۶ می‌داند.^۷ قیام برای آزادی، قسط و عدل، پاکسازی جامعه از تمام انحراف‌ها، پستی‌ها و آلودگی‌ها، قیام برای منافع انسان‌ها

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۲۲.

۲. انقلاب و بسیج سیاسی، حسینی بشیره، ۱۳۷۴، ص ۳۲۲.

۳. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۶۰.

۴. به‌سوی خدا می‌رویم، باهم به حج می‌رویم، ص ۱۵.

۵. حج: ۲۸.

۶. مائده: ۹۷.

۷. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۴.

و کوتاه کردن دست جباران و ستمگران عالم و سلطه آنان بر کشورهای مظلوم و قیام برای ساختن جامعه متکامل توحیدی است.^۱ این بیت، احکام و مناسکش مایه قوام و حیات مردم است^۲، قوام و حیات یک ملتی در قیام برای حفظ مصالح و منافع خود است. اطلاق «قیاماً للناس» نشان دهنده عامل پایداری بودن کعبه از تمام جهات است. یک چنین قیام و یک چنین وحدت و یگانگی و ازدحامی، درهم شکستنی نخواهد بود.^۳ کعبه، مبدأ برپاخاستن همه مردم جهان (قیاماً للناس) و رسیدن به منافع فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» (حج: ۲۸) است. وای بر مسلمانان که معنای حج را نفهمند و وای بر دشمنان، اگر مسلمانان معنای حج را درک کنند.^۴

قیام، فلسفه اصلی حج است: «پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع کرد و منافع ناس را در همین مواقف شریف تأمین نمود.^۵ مقام معظم رهبری، حج ابراهیمی، محمدی، علوی و حسینی را توجه به قدرت خدا و پشت کردن به قدرت طواغیت و جباران می داند.^۶

هر قیامی دو وجه دارد: وجه ایجابی آن که گردهمایی مردم، امنیت، تأمین منافع مادی و معنوی و تمام منافع فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و احیای هویت انسانی است، و وجه سلبی آن که برائت از همه طواغیت و جباران داخلی و خارجی است. به عبارت دیگر وجه نفی، وضع موجود نامطلوب، و وجه اثباتی وضع مطلوب است. شاید از همین روی برائت، رکن سیاسی حج محسوب می شود.

۱. سخن نامه حج، ج ۱، ص ۲۲.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۲۱۰.

۳. تفسیر آسان، محمد جواد نجفی، ۱۳۹۸ ق، ج ۴، ص ۲۷۱.

۴. سخن نامه حج، ج ۳، صص ۱۷ و ۱۸.

۵. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۵۲.

۶. پیام مقام معظم رهبری به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۶۸/۴/۱۴.

بنای کعبه، انقلاب در عرصه عقیدتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد و حج ابراهیمی، تأکید بر این روحیه مبارزه و جهاد علیه طواغیت درونی و بیرونی، داخلی و بین‌المللی است. مکه و منا محل نشر توحید و نفی شرک و دل‌بستگی، جهاد در راه حق و اقامه عدل الهی و کوتاه‌کردن دست مشرکان زمان است.^۱ آل احمد پس از تبیین نفوذ غرب و نظام سرمایه‌داری در کشورهای عربی و اسلامی و شکست موضع‌گیری‌های انفرادی کشورهای اسلامی علیه غرب، این مسئله را مطرح می‌کند: «از خود پرسیدم که برای موضع‌گرفتن در مقابل غرب این مراسم حج، خود نوعی سکوی پرش نیست؟»^۲ در واقع وی راه برون‌رفت از وضع اسف‌بار کشورهای اسلامی را احیای حج می‌داند. آل احمد از بی‌نظمی‌های حج سال ۱۳۴۳ می‌نالید و اظهار می‌دارد: «سالی یک میلیون نفر در این مراسم شرکت می‌کنند که اگر نظم، تسهیلات و نوجویی‌هایی داشت، چه قدرتی می‌توانست باشد: آل احمد تنها راه احیای حج را بین‌المللی کردن مدیریت آن می‌داند».^۳

مدیریت صحیح حج باعث فراموشی تمام حقارت‌های تاریخی مسلمانان در برابر دنیای غرب خواهد شد. بر همین اساس آل احمد درباره حاجیانی که مشغول آداب ظاهری حج، و دادوستد در بازارهای مکه و مدینه هستند، «می‌گوید: آخر درین اجتماع باید معنایی باشد! معنایی برتر ازین دادوستد و بازار و سیاحت و ادای دین و آداب و اقتصاد و حکومت و هزار الزام دیگر».^۴

هویت این اجتماع بزرگ بشری را باید جست‌وجو کرد و برای به‌دست آوردن باید قیام نمود.

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، صص ۸۷ و ۸۸.

۲. خسی در میقات، جلال آل احمد، ۱۳۷۹، ص ۱۳۶.

۳. همان، ص ۱۵۸.

۴. همان، ص ۱۲۲.

حج، قیام علیه تمام تمایزات است و در حج، «هیچ علامت اشرافیتی و هیچ رواق مخصوصی یا شاه‌نشینی»^۱ وجود ندارد. وی زندگی اجتماعی و تاریخی مردم را در دسته‌های گرگ، روباه، موش و میش تقسیم می‌کند و قصرها، لباس‌ها، ابزار زندگی، گنجینه‌های ثروت، قدرت و... آنها را از همدیگر متمایز می‌کند. انسان در میقات علیه تمام این تمایزات قیام می‌کند.^۲

امام سجاد علیه السلام در روایتی مردم را به شش دسته تقسیم می‌کند: شیرصفتان، گرگ‌صفتان، روباه‌صفتان، سگ‌صفتان، خوک‌صفتان و گوسفندصفتان. امام، شیران را حکام منازعه‌گر رقابت‌جویی بر سر قدرت و مطامع دنیا، گرگ‌صفتان را ثروتمندان و بازرگانان دنبال انباشت ثروت به هر قیمتی، روباه‌صفتان را عوام‌فریبان، سگ‌صفتان را مردمان بدزبان، خوک‌صفتان را تن‌دهندگان به هر پلیدی و گوسفندصفتان را کسانی می‌داند که پشم‌هایشان را می‌کنند، گوشتشان را می‌خورند، استخوانشان را می‌شکنند.^۳ و حج، انسانیت تقسیم‌شده به نژادها، ملت‌ها، طبقات، قشرها، گروه‌ها، خانواده‌ها و حیثیت‌ها را به رنگ انسانی بازمی‌گرداند. ارباب و نوکر، حاکم و محکوم، غنی و فقیر و... از بین می‌رود.

صدور ارزش‌ها، آرمان‌ها، تجربیات انقلاب اسلامی مانند استقلال‌خواهی، آزادی‌جویی، عدالت‌خواهی، حمایت از کیان اسلامی و مستضعفان و رنج‌دیدگان، نفسی اشرافی‌گری، تبعیض‌های نژادی و قومی، می‌تواند مصداقی از «قیاماً للناس» باشد. حج برای ایران، محلی برای معرفی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، تعهد به احکام، اخلاق و مجاهده اسلامی در گفتار و عمل به مسلمانان است. عملکرد حجاج ایرانی، می‌تواند سرمنشأ خوش‌بینی و

۱. همان، ص ۱۹۱.

۲. حج، ص ۳۷.

۳. الخصال، شیخ صدوق، بی‌تا، ص ۳۷۸.

بدینی دیگران باشد. راه محقق‌سازی اندیشه انقلاب و جمهوری اسلامی، فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی از طریق تبلیغ و تعلیم است^۱ و اجتماعات مذهبی و از آن‌میان حج، مهم‌ترین اجتماع فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی است.^۲

کاتالیزور تبدیل حج غیرابراهیمی به حج ابراهیمی، انقلاب اسلامی است که می‌تواند گامی در جهت احیای برادری، همکاری، رشد فکری و قیام و جهاد علیه طاغوت‌ها و برپایی حاکمیت الله باشد. انقلاب به سه دلیل «بی‌اجراماندن نظام سیاسی اسلام، ضرورت برچیدن طاغوت و فراهم‌سازی زمینه تربیت، رشد اخلاقی و فضایل انسانی در جامعه»، ضروری است.^۳ حج همراه با برائت به عنوان حج انقلابی در ادبیات سیاسی جای گرفته است.^۴ البته شاید تبلیغ حج همراه با برائت با عنوان حج انقلابی به‌جای حج ابراهیمی که دائم در آثار و پیام‌های امام موج می‌زند، شیطنتی دیگر از نظام سلطه برای تحریک عربستان باشد.

هدف از آگاهی، اجتماع و قیام، تعیین‌بخشی به رویکرد اسلام به جهان، انسان و هویت جوامع اسلامی و مسلمانان است. هویت از پاسخ به دو سؤال اساسی مشخص می‌گردد: من کیستم؟ و من که نیستم؟^۵ غیریت‌سازی در عرصه اعتقادی، اجتماعی و سیاسی و حوزه‌های دیگر زندگی، بخشی از هویت جوامع و گرایش‌ها را تبیین می‌کند.^۶ موافق حج سراسر مملو از خودی‌سازی و غیریت‌سازی است. انقلاب در عرصه سیاسی و اجتماعی و نظام سیاسی، خودی‌ساز و غیریت‌ساز است.

۱. ولایت فقیه، امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۸.

۲. همان، ص ۱۳۲.

۳. همان، ص ۳۵.

۴. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، محمد باقر حشمت‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۵۸.

۵. تغییرات اجتماعی، گی‌روشه، مترجم منصور وثوقی، ص ۱۳.

۶. جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل، اصغر افتخاری، ۱۳۸۰، صص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۴. موانع

موانع، بازدارندهایی هستند که از اثرگذاری مبانی یا روش‌ها جلوگیری می‌کنند. موانع مبانی یک پدیده، آن را از هویت می‌اندازد، نه تنها کارکردهای اصلی و مثبت خود را ایفا نمی‌کند، بلکه به کژکارکرد تبدیل می‌گردد و موانع در روش‌ها، باعث بی‌ثمری مبانی خواهد شد. در این مقاله، به‌اجمال به بعضی از موانع مبنایی و روشی مشترک حج و انقلاب اسلامی اشاره می‌شود.

الف) تحویل‌گرایی

آرمان حج و انقلاب اسلام، شامل ابعاد مادی و معنوی و سیاسی و اجتماعی است. تقلیل آرمان‌های حج و انقلاب اسلامی به مادی‌گرایی یا فردی‌فقهی، مانع یا آسیبی است که حج را مبدل به حج آمریکایی، و انقلاب را بی‌هویت و اسلام را بی‌خاصیت می‌کند. تبلیغ اینکه اسلام «مکتبی است که مربوط به دعا و ذکر، و یک روابطی مابین مردم و مابین خالق، و سیاست را کاری به آن ندارد. اسلام به حکومت کار ندارد».^۱ یک تحویل و تحریف مبنایی و روشی است. امام خمینی اینکه مأموران سعودی به اسم اسلام، مسلمانان را از دخالت در سیاست و حتی از شعار علیه اسرائیل و آمریکا منع می‌کنند، یک نوع تحریف می‌داند.^۲ انحصار انقلاب اسلامی در بعد داخلی و اقتصادی و سیاسی، تحریف انقلاب از خود است.

ب) بی‌اعتنایی سیاسی

بی‌اعتنایی سیاسی در انقلاب اسلامی، به این است که مردم خود را از عرصه سیاسی کشور بیرون بکشند و در قبال امور اجتماعی، سیاسی و مدیریتی جامعه احساس مسئولیت

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۶.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۹۱.

نداشته باشند. دلیل این بی‌اعتنایی هرچه باشد، در نهایت به‌ضرر مردم و انقلاب است، و بی‌اعتنایی در حج به این است که مردم فقط برای انجام یک‌سری اعمال و مناسک خشک، تکراری، کسب شهرت و برای تجارت، به مکه روند و از اسرار معنوی و سازنده فردی، اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی آن دور باشند. بی‌اعتنایی باعث به‌انزواکشیده‌شدن کشورهای اسلامی در عرصه بین‌المللی و وقوع مصایبی مانند قضیه فلسطین و خواری و ذلت مسلمانان می‌گردد که روزی بر نیمکره زمین حکومت می‌کردند.^۱

ج) گسست‌ها

وجود شکاف‌های اجتماعی، تاریخی و مذهبی فعال یا غیرفعال در داخل کشورهای اسلامی و مابین آنها یک امر واقعی و انکارناپذیر است. تشدید، تسریع، تعمیق و توسعه این شکاف‌ها به هر دلیل، مانع جدی در سر راه منافع و مصالح کشورهای اسلامی است. گسست بین کشورهای اسلامی، مانع وحدت‌افزایی حج، و مانع احیای تمدن اسلامی براساس اخلاق، معنویت و عدالت است. وحدت در سطوح داخل ملت‌ها، دولت‌ها، بین ملل اسلامی و بین دولت‌های اسلامی، منشأ برکات و منافع زیادی برای جهان اسلام می‌گردد. وحدت، ایده قرآن «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»، ایده حج «مَثَابَةٌ لِّلنَّاسِ» و ایده انقلاب اسلامی است. تفرقه و جدایی در میان انقلابیون، دولت و ملت، ملل اسلامی و دولت‌های اسلامی، خلاف سیره قرآن، حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی و در جهت تأمین منافع مستکبران عالم و سلطه آنهاست. امام خمینی، رأس همه فسادها را اختلاف کلمه، تفرقه و هواهای نفسانی^۲ می‌داند. از مهم‌ترین عوامل گسست می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۴۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۴۲.

یک - به خطرافتادن منافع سلطه‌گران

تحقق عملی مبانی و روش‌های حج و انقلاب اسلامی، می‌توانند سه نوع خطر ایجاد کنند: اول اینکه منافع فرقه‌های انحرافی و ساختگی سنی و شیعه را به خطر اندازد؛ گروه‌هایی که با روابط سخت، قشری و انحصارطلبانه قومی، نژادی، زبانی و مذهبی و بی‌توجه به مصالح کلی اسلام و مسلمانان که تمام نیروی خود را علیه سایر فرقه‌های اسلامی به کار می‌برند و از ابزارهای مختلف تهدید، تکفیر و ترور استفاده می‌کنند.^۱

دوم اینکه حج ابراهیمی و انقلاب اسلامی، منافع بیگانگان و حضور چپاولگرانه آنها را در کشورهای اسلامی به چالش کشیده است.

سوم اینکه با انتقال تجربه از طریق وحدت و هم‌گرایی، تاج و تخت بسیاری از حاکمان کشورهای اسلامی را به خطر می‌افتد. نمونه این ترس در حمایت کشورهای حاشیه خلیج فارس از واقعه شبه‌کودتا در مصر علیه مرسى و جریان اخوان، قابل مشاهده است.

دو - سوء تفاهم

سوء تفاهم، از توهم یا از طرح ناشیانه وحدت اسلامی توسط مادحان، کج‌اندیشان و متحجران و تمامیت‌خواهان و انحصارطلبان مذهبی که خود را حق مطلق و دیگران را باطل مطلق تصور می‌کنند، ناشی می‌گردد. سلفی‌های تکفیری و وهابیون، شیعیان و اهل سنت واقعی و معتدل را خارج از حوزه اسلام می‌دانند. عده‌ای شیعه‌نما با طرح وحدت توسط رهبران جامعه شیعی، مانند امام خمینی و مقام معظم رهبری، فریاد فراموشی وقایع صدر اسلام را بلند می‌کنند. امام خمینی به‌درستی و صراحت به این عامل اشاره می‌کند و می‌گذرد: «خون‌دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و

۱. سخن‌نامه حج، ج ۲، ص ۱۲۴.

سختی‌های دیگران نخورده است»^۱. عده‌ای معتقد به وحدت هستند، ولی به‌جای باهم‌بودن بامن‌بودن را مطرح می‌کنند. هر دو دیدگاه، طرف مقابل را به وحشت می‌اندازد.

سه - توطئه

توطئه سیاسی و فرهنگی از عوامل گسست و اختلاف است. منافع دنیاطلبان در تفرقه تعریف شده است. امام، راه نجات امت اسلامی را عمل به آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا»^۲ می‌داند. این آیه، یک بخش نظری و یک بخش عملی دارد. بخش نظری آن اعتصام به حب‌الله و اجتناب از تفرقه است. بخش عملی و کاربردی آن یادآوری بدبختی بر اثر تفرقه و نجات مسلمان‌ها بر اثر تألیف قلوب است. تألیف قلوب یک عمل اجتماعی و عاطفی است.

از مصادیق بارز توطئه، انقلاب‌هراسی و ایران‌گریزی است. نمونه این وضعیت، رابطه ایران و عربستان است. رقابت ایران و عربستان از قبل از انقلاب آغاز شده است. همیشه مسئله قدرت اول منطقه‌بودن، دغدغه اصلی این دو کشور بوده است. وقوع انقلاب اسلامی و فروریختن پایه‌های سلطنت و نظام پادشاهی در ایران، از یک‌سو باعث خوشحالی به دلیل شکست رقیب و از سوی دیگر باعث هراس در بین سلاطین خلیج فارس، به دلیل ناآرامی‌های مناطق شرقی و شیعه‌نشین عربستان، اشغال خونین مسجدالحرام در محرم ۱۴۰۰ ه. ق، توطئه سرنگونی هواپیمای فهد، ولیعهد وقت، و انفجار بمب در ریاض شد، و روابط سایه‌روشن ایران - ریاض، پس از پیروزی انقلاب به حجم این هراس افزود.^۳

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۸.

۲. همان.

۳. بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶.

شعارهای مترقیانه و دموکراتیک انقلاب اسلامی و مبارزه با سلطه غرب و شرق، موقعیت سنتی عربستان را به چالش می‌کشید.^۱ عربستان سعودی برای کاستن آثار و نفوذ انقلاب، اقداماتی مانند تأسیس مؤسسات تبلیغاتی برای تخریب چهره انقلاب، تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، حمایت همه‌جانبه از رژیم بعثی صدام، خرید تسلیحات، اخراج افسران و درجه‌داران شیعه از ارتش، کاستن از حضور نظامیان پاکستان در ارتش به دلیل تمایل آنها به انقلاب اسلامی و جای‌گزینی آنها با نیروهای بنگلادشی، اخراج متخصصان شیعه از شرکت آرامکو یا کاستن از تعداد و تنزل مرتبه آنها، ممنوعیت استفاده از بلندگو و میکروفون در مساجد شیعه، تحت تعقیب قراردادن رهبران شیعیان، بازرسی خانه‌های افراد مظنون، مخدوش کردن برنامه‌های صدا و سیمای ایران با پارازیت‌انداختن، تزریق پول به گروه‌های تند اهل سنت، ممنوعیت مسافرت اتباع سعودی خصوصاً شیعیان به ایران و... را انجام داد.^۲ این وضعیت و عکس‌العمل سعودی‌ها با برخی دیدگاه‌های افراطی درباره صدور انقلاب که جنبه کشورگشایانه پیدا می‌کرد، گسترده‌تر و پیچیده‌تر شد.

میزان خصومت دولت عربستان با انقلاب اسلامی، کمتر از سال‌های اول انقلاب نیست. بنابراین عربستان هرگز دنبال حج ابراهیمی نخواهد بود. پس یک پارادوکس جدی وجود دارد. انقلاب‌هراسی برای سلاطین منطقه و کشورهای اسلامی، نظیر اسلام‌هراسی برای سایر کشورها، اثر نامطلوبی بر صدور انقلاب اسلامی و حج ابراهیمی می‌گذارد. وقوع خیزش‌های اجتماعی، چه با عنوان بیداری اسلامی و چه با عنوان بهار عربی، این ذهنیت را تقویت می‌کند. به نظر می‌رسد چهار عنصر می‌تواند این پارادوکس را حل کند: «اول، برنامه ریزی دقیق و منطقی با استفاده از متون دینی برای احیای حج ابراهیمی و

۱. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، ص ۹۲.

۲. بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، ص ۱۵۷.

تبیین آرمان‌های واقعی انقلاب اسلامی، در یک زمان‌بندی طولانی‌مدت. دوم، تقویت نظام رسانه‌ای حج ابراهیمی برای تبلیغ و تعلیم و آگاهی‌بخشی و به حد تصمیم‌رساندن ملل اسلامی به لحاظ فکری و ذهنی و پرهیز از هرگونه عمل صریح انقلابی که باعث محرومیت و محدودیت‌های شدیدتر می‌شود. سوم، تلاش برای کارآمدی جمهوری اسلامی به‌عنوان نظام برآمده از انقلاب اسلامی و الگو قرارگرفتن برای ملل اسلامی در عرصه سیاست، اقتصاد، اجتماع و امنیت؛ و چهارم، پرهیز از موضع‌گیری‌های غیرمسئولانه برخی مسئولان و کارشناسان جمهوری اسلامی ایران. این چهار عنصر، می‌تواند زمینه تحول ذهنی داخلی را در کشورهای اسلامی فراهم کند.

د) هجمه به کارآمدی جمهوری اسلامی

کارآمدی جمهوری اسلامی، تیر خلاص به همه هجمه‌ها و اتهامات خواهد بود. نه انقلاب اسلامی منحصر به ایران، و نه جمهوری اسلامی فقط برای ایران است؛ اما آنچه امروز به‌عنوان خروجی انقلاب اسلامی، عینیت یافته، جمهوری اسلامی ایران است. موفقیت جمهوری اسلامی در پیشنهاد یک الگوی مناسب اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی در منطقه و جهان، باعث اقبال روزافزون کشورهای اسلامی خواهد شد. اما اگر جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی و سیاسی یک کشور ضعیف باشد، مردم مسلمان و مستضعف را دچار یأس و ناامیدی می‌کند. رفاه اقتصادی و اجتماعی، حفظ حریم و آزادی‌های سیاسی و مدنی مردم، استقرار یک نظام مردمی و بر سرکارآمدن مسئولان اخلاق‌مند و مردمی، موج‌بیداری و اقبال عمومی را سرعت و شدت خواهد بخشید. غلبه جمهوری اسلامی بر گسست‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در دو قلمرو داخلی و خارجی^۱ می‌تواند کارآمدی نظام را شفاف‌تر کند. بی‌توجهی به این

۱. انقلاب اسلامی، بحران‌ها و چالش‌ها، عبدالوهاب فراتی، ۱۳۸۱، صص ۱۴۸ و ۱۷۸.

شکاف‌ها نظام را از درون تهی می‌کند و قدرت دفاعی خود را در حوزه‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از دست می‌دهد.

حج، عرصه تعامل انقلاب اسلامی و مسلمانان است و زمانی آنها به انقلاب میل می‌کنند و انقلاب در آنها اثر می‌گذارد که کردار و رفتار جمهوری اسلامی، الگو و سرمشق باشد.^۱ اگر جمهوری اسلامی بتواند یک نوع موفق از توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و یک مدلی از توسعه و پیشرفت و تکامل و معنویات اسلامی را به نمایش بگذارد، آنگاه حج برای انقلاب اسلامی عرصه صدور خواهد بود.

نتیجه‌گیری

موافق و مناسک حج، به شرطی فضای تجلی توحید، تحقق اراده مردم و زندگی انسانی خواهد شد که وحدت کلمه و انتشار آگاهی و قیام برای یک زندگی انسانی مسئولانه را رقم بزند. انقلاب اسلامی، قیام مردم ایران برای محقق‌سازی حاکمیت الله، آزادی و استقلال مردم و جامعه انسانی بود. قبل از انقلاب، بعد عبادی حج به صورت نصف‌نیمه انجام می‌شد. بعد از انقلاب، بعد سیاسی آن احیا شد و از مهجوریت درآمد و به تحقق عملی «قیاماً لِلنَّاسِ» نزدیک شد. حج ابراهیمی با توجه به معرفت‌افزایی و آگاهی‌بخشی به مسلمانان و انتقال تجارب اجتماعی و سیاسی توسط اندیشمندان به کشورهای اسلامی، می‌تواند آثار مختلفی از خود بر جای گذارد:

اول- اصلاح ساختار سیاسی و اجتماعی و انقلابی از بالا به پایین و اصلاح روابط دولت‌ها و ملت‌ها که امروز به دلیل فاصله دولت و مردم، کشورهای اسلامی آبستن تحولات رادیکال اجتماعی و سیاسی هستند: تحولات منطقه این را نشان می‌دهد که مهم‌ترین شعار مردم، مبارزه با استبداد است.

دوم- اصلاح ذات‌البین و روابط ملل اسلامی: حج می‌تواند بدبینی‌ها و سوء تفاهمات بین ملل اسلامی را رفع، و دیوارهای بلند بی‌اعتمادی را به اعتماد و حسن‌ظن تبدیل کند. سوم- اصلاح رابطه مسلمانان و کشورهای اسلامی با سایر ملل مستضعف جهان: خدماتی که مسلمانان می‌توانند با توجه به منابع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به دیگر ملل بدهند، می‌تواند رابطه جهان اسلام با جهان مستضعف را اصلاح کند و باعث روی آوری بیشتر به اسلام گردد.

چهارم- اصلاح رابطه قدرت بین‌المللی کشورهای اسلامی با کشورهای دنیا: دولت‌های اسلامی فرصت یک مجمع جهانی رایگان را در اختیار دارند. اگر از این فرصت استفاده نبرند، خود مقصرند. نمایندگان بیش از ۱/۵ میلیارد مسلمان در مواقف حج، با داشتن خزائن و پشتوانه ایمان^۱ می‌توانند رقیب جدی در عرصه بین‌المللی باشند. پنجم- حج ابراهیمی، زمینه قیام‌های اجتماعی و سیاسی و بیداری اسلامی در منطقه و معنویت‌گرایی در جهان مستضعفان را تقویت می‌کند. از این رو حج ابراهیمی به‌عنوان یک زمینه بسیار نیرومند، و انقلاب اسلامی به‌عنوان یک تجربه عملی، سرآغاز تحولات عمیق در کل کشورهای اسلامی و جهان هستند.

ششم- حج ابراهیمی، خاصیت انقلاب دارد. انقلاب، قیام علیه وضع موجود و دنبال وضع مطلوب از روی آگاهی، انسجام و حرکت است و حج ابراهیمی، کارکرد انقلاب را دارد. بدون آن، حج تبدیل به یک سنت تاریخی بی‌معنا و تکراری می‌شود که جز سرگرمی اغنیا و اقویا و پز متمولان نخواهد بود.

هفتم- حج ابراهیمی، پاسخ مردم «ناس» به ندای یک رهبر صالح و گردهمایی مردم «ناس» در خانه خدا «مَثَابَةٌ لِّلنَّاسِ» و اعتصام به «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» و

قیام برای رفع گرفتاری‌های کشورهای اسلامی و بدبختی‌ها و عقب‌افتادگی‌ها، اختلاف کلمه‌ها برای احقاق حقوق از دست‌رفته، انسانیت له‌شده، احیای ارزش‌های اسلامی و هویت امت اسلامی و تحقق ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾ است. مهم‌ترین منافع آن، امنیت همه‌جانبه و خیر همه‌جانبه است. همه‌جانبه‌بودن امنیت و خیر، از نکره و جمع‌بودن «منافع» و مطلق‌بودن «امناً» و «مبارکاً» استفاده می‌شود. امنیت در سایه حذف خداوندان زمین ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾ (ابراهیم: ۳۵)، با ایمان به خدا و قیامت و به مبدأ و معاد ﴿مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ (بقره: ۱۲۶) و مردمی‌بودن (ناس) تأمین می‌گردد. جامعه بدون ایمان به خدا و قیامت، امنیت را از دست می‌دهد و در نتیجه، فقر و کمبود در جامعه فراگیر می‌گردد: ﴿وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا﴾ (بقره: ۱۲۶).

قران کریم حج را تأمین‌کننده دنیا و آخرت مردم معرفی می‌کند، و انقلاب اسلامی هم با همین هدف روی کارآمد.

من الله التوفيق و عليه التكلان

منابع

* قرآن کریم.

۱. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، محمد جواد بلاغی نجفی، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ق.
۲. آناتومی جامعه، مقدمه‌ای جامعه‌شناسی کاربردی، فرامرز رفیع پور، تهران، انتشار، ۱۳۸۷.
۳. اسرار قدرت درون، لوئیز هی، ترجمه پری نیکزاد، تهران، زرین: نگارستان کتاب، ۱۳۸۷.
۴. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، عبدالحسین طیب، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۶۸.
۵. انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها، منوچهر محمدی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷.
۶. انقلاب اسلامی: بحران‌ها و چالش‌ها، عبدالوهاب فراتی (گرد آورنده)، قم، نشر معارف (مقاله دکتر اصغر افتخاری با عنوان انقلاب اسلامی و گسست‌های اجتماعی)، ۱۳۸۱.
۷. انقلاب و بسیج سیاسی، حسین بشیریه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۸. بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۹. برهه انقلابی در ایران، علیرضا شجاعی زند، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲.
۱۰. بنیان مرصوص، جوادی آملی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۱۱. به‌سوی خدا می‌رویم، باهم به حج می‌رویم، محمود طالقانی، انتشارات لاله، بی‌جا، ۱۳۳۲.
۱۲. بیانات در دیدار کارگزاران و دست‌اندرکاران حج، علی خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۸/۴.
۱۳. پیام به حجاج بیت الله الحرام، علی خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۱/۱۱.
۱۴. پیام به حجاج بیت الله الحرام، علی خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۱۴.
۱۵. پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، بی‌تا.

۱۶. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، محمد باقر حشمت زاده، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۷. تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۲.
۱۸. ترجمه تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبایی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۱۹. تغییرات اجتماعی، گی روشه، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی.
۲۰. تفسیر آسان، محمد جواد نجفی خمینی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸ ق.
۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.
۲۲. جامعه شناسی جنبش های اسلامی، حمید احمدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
۲۳. جامعه شناسی دین، ملک همیلتون، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان، ۱۳۸۱.
۲۴. جامعه شناسی دین، یوآخیم واخ، ترجمه جمشید آزادگان، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۸۷.
۲۵. جامعه شناسی سیاسی اسرائیل، اصغر افتخاری، تهران، مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۰.
۲۶. حج، علی شریعتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
۲۷. خسی در میقات، جلال آل احمد، تهران، فردوس، ۱۳۷۹.
۲۸. الخصال، محمد قمی (صدوق)، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، بی تا.
۲۹. درآمدی بر انسان شناسی، کلود ریویر، ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.
۳۰. درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، محمد رضا دهشیری، چاپ دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
۳۱. دولت و حکومت در اسلام، سیری در نظریه سیاسی فقهای مسلمان از صدر اسلام تا اواخر قرن سیزدهم، آن. کی. اس لمبتون، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۴.
۳۲. سخن نامه حج، محمد محمدی ری شهری، دوره چهار جلدی، قم، سازمان چاپ و نشر

- دارالحدیث، ۱۳۹۰.
۳۳. صحیفه امام، مجموعه پیام‌ها، سخنرانی‌ها و بیانیه‌ها، امام خمینی، دوره ۲۲ جلدی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
۳۴. صحیفه حج، مجموعه سخنان و پیام‌های رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی، امام خمینی، تهران، مرکز تحقیقات حج، نشر مشعر، ۱۳۸۷.
۳۵. صهبای حج، عبدالله جوادی آملی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵.
۳۶. ظرفیت‌های حج در تحقق بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی، محسن محمدی و محمد هادی فلاح زاده، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۳۳.
۳۷. فرهنگ عربی - فارسی دانشیار، رضا مهبیار، تهران، انتشارات دانشیار، ۱۳۸۰.
۳۸. فرهنگنامه حج و عمره و اماکن مربوطه، صدر طباطبایی، قم، انتشارات مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۷.
۳۹. قاموس قرآن، علی اکبر قریشی، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴.
۴۰. کافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۱ ه. ق.
۴۱. مناسک حج در نگارگری اسلامی و نقش آن در همبستگی ملی و وحدت اسلامی، مهنار شایسته‌فر، نامه پژوهش فرهنگی، سال دوازدهم، شماره دوازدهم، زمستان، ۱۳۸۹.
۴۲. منتخب میزان الحکمه، تلخیص سید حمید حسینی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۴۳. ولایت فقیه، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰.

